

اخلاق نویسندگی

نویسندگی دارای زوایای مختلف مادی، معنوی و حقوق فکری و اقتصادی است. در میان مباحث مرتبط با نگارش و نویسندگی، همواره یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح، بحث اخلاق نگارش و نویسندگی است. اخلاق نویسندگی به اخلاق و منشی که نویسنده باید در کار نگارش، پژوهش و ترجمه دنبال کند اشاره دارد و با تمامی ابعاد نوشتن ارتباط مستقیم دارد، بنابراین نویسنده باید آشنایی کاملی با آن داشته باشد. با توجه به اهمیت اخلاق نویسندگی، نشست این شماره از نشریه را به بایدها و نبایدهای نویسندگی اختصاص داده‌ایم.



حاضران

دکتر عباس حری؛

استاد دانشگاه تهران



محمد اسفندیاری؛

سرپرست موسسه الامامة کتابخانه
آیت‌الله مرعشی نجفی



دکتر محمدعلی مهدوی‌راد؛

استادیار دانشکده پردیس قم در علوم
قرآنی و مدیرمسئول
مجله آیین پژوهش



محمدحسن ساکت؛

حقوق‌دان و مستشار پیشین دیوان
عالی کشور؛ دبیر جلسه



ساکت: به نام آنکه از تألیف و ترکیب/ معمای جهان را داد ترتیب. با عرض سلام خدمت حاضران گرامی و میهمانان ارجمند شرکت‌کننده در این گفتمان. مبحثی که امروز در خدمت شما آغاز می‌کنیم، درباره یکی از دیدگاه‌های معنوی در نویسندگی، یعنی اخلاق نویسندگی است. زیرا نویسندگی جنبه‌های مختلف مادی، حقوق فکری و معنوی، و مسائل حقوقی اقتصادی دارد؛ اینها بحث‌های جداگانه‌ای است اما اینکه نویسنده بداند باید اخلاق و منشی را در کار نگارش، پژوهش و ترجمه دنبال کند، بحث خاص خود را دارد که به تازگی در جامعه ما با خوش‌آمدگویی خوانندگان و کارشناسان روبه‌رو شده است. گرچه گاهی در جوامع مترقی این بحث‌ها دنبال شده و کتاب‌ها نوشته‌اند و مقالات و جستارهای گوناگونی راجع به آن چاپ شده اما در ایران هنوز گل نوشکفته‌ای است که نیاز به پرورش دارد. این بحث را با سخنان حجت‌الاسلام دکتر مهدوی‌راد آغاز می‌کنیم.

دکتر مهدوی‌راد: ابتدا سلام عرض می‌کنم. مباحثی که استاد ساکت مطرح کردند، مباحث مهمی هستند. همچنین باید اظهار خوشحالی کنم که در ادامه نکاتی که بنده عرض خواهم کرد، با گفتارهای دو نفر از استادان بزرگ این رشته مواجه خواهید شد؛ جناب آقای دکتر حری و آقای اسفندیاری که هر دو بزرگواری در زمینه اخلاق نگارش، آداب نگارش، ضرورت‌های نوشتن، تحقیق و پژوهش آثار فاخری دارند. بحث خود را با یاد خیری از استاد علامه محمدرضا حکیمی آغاز می‌کنم؛ ایشان از اولین کسانی است که از آشفته‌گی‌های حوزه نوشتن رنج برده و از اولین کسانی بوده که



ساکت:

در میان مباحث

مرتبط با نگارش و

نویسندگی، همواره

یکی از مهم‌ترین

مباحث مطرح، بحث

اخلاق نگارش و

نویسندگی است.

اخلاق نویسندگی به

اخلاق و منشی که

نویسنده باید در کار

نگارش، پژوهش و

ترجمه دنبال کند اشاره

دارد و با تمامی ابعاد

نوشتن ارتباط مستقیم

دارد، بنابراین نویسنده

باید آشنایی کاملی با

آن داشته باشد

گفتن، استوار نوشتن، استوار حرف زدن، فرع بر استوار فهمیدن است، من اگر موضوعی را فهمیدم، استوار هم خواهم گفت. یکی از آفت‌های بزرگ جامعه ما حتی در حوزه‌های دینی بزرگ یعنی در دانشگاه‌ها این است که متأسفانه مسؤولین تحت تأثیر هستند. وقتی یا یک بزرگواری مواجه می‌شویم و می‌گویند «آقا هشتاد عنوان کتاب، هفتاد مقاله و هشتاد نوشته مختلف دارد»، آیا کسی می‌گوید که از این هفتاد مقاله، ده مقاله قابل خواندن است؟ یا بیست مقاله آن به قول استاد زرین کوب «دورافکندی، پاره کردنی و ریختنی به دریا» است؟ باید اشاره کنم که در کارهای پژوهشی، کیفیت کار مهم است و نه کمیت آن. همان‌طور که خداوند هم با توجه به اعمال انسان‌ها به کیفیت آنها اهمیت می‌دهد و در قیامت از کمیت کارها سؤالی نمی‌شود. در مجله آیین پژوهش مقاله‌ای از آقای اسفندیاری به چاپ رسیده با عنوان «کتاب‌های بیست‌ساله و فراتر از بیست‌ساله» یعنی کتاب‌هایی که مؤلفان آن بیست سال کار می‌کردند تا یک کتاب می‌نوشتند و ما امروزه بیست روز و یا حتی بیست ساعت وقت می‌گذاریم و یک کتاب می‌نویسیم! در این بخش سخن خود را با نقلی از امام علی(ع) به پایان می‌برم. ایشان فرمودند: «مانند زنبور عسل باشید و از هر سخنی و از هر فکری بهترین آن را انتخاب کنید». در این صورت، آنچه را که انتخاب می‌کنید، مفید است چون بهترین را انتخاب کرده‌اید. فرانسویس بیکن معتقد است انسان‌ها در حوزه نوشتن سه گونه هستند و در اشاره به کلام مولوی که می‌گوید برخی از انسان‌ها مانند زنبور عسل هستند: تلاش می‌کنند، می‌جویند و بهترین را برمی‌گزینند و عرضه می‌کنند، عده‌ای مانند مورچه

در این زمینه قلم زده و هشدار داده است. با یادی از ایشان که می‌فرمودند یک مقامی در زمانی نوشته بودند به برخی از کسانی که قلم برمی‌دارند و می‌نویسند گفته می‌شود که چرا می‌نویسید و می‌گویند احساس مسؤلیت کردیم. اگر فردی احساس مسؤلیت کند تا افرادی را که در جامعه بیمار هستند، مداوا کند که یکی پایش شکسته، یکی کمردرد دارد و... عقل حکم می‌کند که در آن موضوعات تخصص پیدا کند و بعد بیماران را نجات دهد. در حوزه دین یا فرهنگ دینی، فرهنگ اسلامی و ایرانی هم اگر فردی خواست قلم به دست بگیرد آیا باید اول در آن حوزه اطلاعات کسب کند و بعد کار کند؟ بنده قصد دارم به این موضوع از نگاه دین نگاه کنم. ما اگر قرآن را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم، به پاسخ بسیاری از این سؤالات خواهیم رسید؛ همان‌طور که در قرآن آمده «اگر درباره چیزی که می‌خواهی در رابطه با آن کاری انجام بدهی دانش و آگاهی نداری، اقدام نکن». به‌عنوان مثال، اگر بنده بخواهم به میدان هفت‌تیر بروم و آنجا را هم نشناسم، آیا از ساختمان بیرون می‌آیم و در خیابان حرکت می‌کنم یا اینکه ابتدا از کسی کسب اطلاعات می‌کنم و بعد حرکت می‌کنم؟ قرآن به ما دستور داده که اگر راجع به مسأله‌ای اطلاعات نداریم به آن اقدام نکنیم. اگر در مورد مسأله‌ای اطلاعات و آگاهی کمی هم داریم در این زمینه قرآن به ما دستور می‌دهد که کاری را باری به هر جهت انجام ندهیم. مگر ما در زندگی کارها را باری به هر جهت انجام می‌دهیم؟ شاید پاسخ بسیاری از انسان‌ها مثبت باشد ولی پیام قرآن آن است که تقوا پیشه کنید و خود را در راه خدا ببینید و بعد وقتی کار را از شما خواستند، آن را به استواری بگویید؛ استوار



هشتم ابن‌خلدون منابع بسیار ارزشمندی در زمینه اخلاق نگارش و نویسندگی دارد و می‌گوید: «هشیار باش که دستان تو چه می‌نویسند، آنچه تو می‌نویسی باید به گونه‌ای باشد که خدا را خشنود کند و خلق را مفید افتد». بحث امروز ما درباره اخلاق نویسندگی است. من در اینجا دو مفهوم را روشن کنم. یکی بحث اخلاق است، وقتی صحبت از اخلاق می‌شود، ما در مقابل کدام معادل این کلمه را به کار می‌بریم؟ زیرا دو معادل وجود دارد یکی «Morality» و دیگری «Ethics»، همان اخلاقی است که در هر جامعه‌ای جریان دارد. مثلاً بحث حجاب یک بحث اخلاقی است و در یک دوره خاص پدید می‌آید اما برخی مسائل، به دوره خاصی ربطی ندارد. مثلاً دروغ گفتن بد است و یا رعایت انصاف نسبت به دیگران یک عمل اخلاقی است. اینها مسائلی هستند که ما خارج از یک عرصه خاص به آن پایبندیم. یعنی اعم از اینکه من بازاری، دانشجو، معلم و یا صاحب هر کسب و کاری باشم، این قواعد بر رفتار و رویکرد من حاکم است. اما هنگامی که از Ethics یعنی اخلاق نویسندگی و نگارش صحبت می‌کنیم، منظورمان قراردادهایی است که چیزی بیش از قراردادهای کلی جامعه در آن وجود دارد. به‌عنوان مثال، در اخلاق نویسندگی می‌گویند اگر حرف جدیدی نداری، چیزی ننویس. اما اگر کسی در عرض دو ماه، ده عنوان کتاب منتشر کند، هیچ‌یک از آحاد جامعه به او ایراد نمی‌گیرند و می‌گویند حتماً دوست دارد چاپ کند! اما اخلاق این رشته و این عرصه، این کار را نوعی بی‌اخلاقی می‌داند و دلیلش هم این است که می‌گوید زمانی که شما اثری را بر مجموعه آثار موجود در جامعه می‌افزاید و حرف و سخن تازه‌ای ندارید، کار شما جز مانعی برای دستیابی به منابع دارای اندیشه نخواهد بود. یعنی آنچه شما انجام دادید، مانع ایجاد کرده است. عزیزانی که به دنبال اطلاعات در رایانه جست‌وجو می‌کنند، خوب به این نکته آگاه هستند که برای پیدا کردن اطلاعاتی که برای تحقیق یا طرح خود به آن نیاز دارند، باید از میان انبوه زباله آن را جست‌وجو کند؛ زباله به این خاطر که منابعی هستند که عنوان و نوع کار آنها، انسان را فریب می‌دهد که مطالبی را که نیاز دارد در اختیار او قرار می‌دهد ولی به این شکل نیست. از طرف دیگر، خوب است که نویسندگی را توصیف کنیم. اساساً نویسندگی و نگارش به چه معنا است؟ نگارش یعنی اندیشه‌ای در ذهن یک انسان شکل گرفته و این فرد علاقه‌مند است که این اندیشه را با افراد دیگر به اشتراک بگذارد و دیگران را هم نسبت به آن اندیشه آگاه کند. چه مواقعی ما لب باز می‌کنیم تا صحبت کنیم؟ یا به عبارتی چه زمانی ما از کلام استفاده می‌کنیم؟ مسلماً زمانی که حرفی داریم و می‌خواهیم به دیگران منتقل کنیم. زمانی که حرف نو و بامحتوایی را به دیگران منتقل نمی‌کنیم، در اصطلاح به آن یاهو‌گویی می‌گویند؛ یعنی حرف می‌زنم، از کلمات استفاده می‌کنم و کلام را به خدمت می‌گیرم اما چیزی از نظر محتوا به دیگران عرضه نمی‌کنم. بنابراین، شرط نویسندگی و نگارش این است که من اندیشه‌ای داشته باشم که احساس کنم دیگران از آن آگاهی ندارند

هستند، جست‌وجو می‌کنند، تلاش می‌کنند ولی حرف دیگران را می‌شنوند و بازگو می‌کنند. عده‌ای هم مانند خرمگس هستند، یعنی روی آثار دیگران می‌نشینند و بدترین آن را هم انتخاب می‌کنند. ما باید برای خود در نظر بگیریم که به کیفیت توجه کنیم نه به کمیت، به محتوا توجه کنیم نه به ظاهر، به محتوا توجه کنیم، نه اینکه تبری در تاریکی بیندازیم. باز هم اشاره می‌کنم که استاد بزرگوار، جناب آقای حری در مجله آیین پژوهش مقاله‌ای نوشتند به نام «آیین بدنویسی»، یعنی هر آنچه را که می‌گویند خوب است، ننویسید؛ در نوشتن، مخاطب را فراموش کنید؛ تبری به تاریکی بیفکن، حتماً موفق می‌شود؛ نتیجه آن این می‌شود که این نوشته‌ها نه اقبال دارد و نه نظر. بنده در جلسات بارها با این سؤال مواجه شدم که چرا آثار دینی و مذهبی کم‌اقبال است. بنده این را قبول ندارم زیرا نمونه‌های مختلفی وجود دارد که آثار دینی حتی با حجم بالا به دلیل اینکه نثر خوبی دارند، نگاهی خوبی دارند، از اقبال خوبی هم برخوردار بوده‌اند. به عنوان مثال، بعد از انقلاب امام خمینی در سخنرانی فرمودند که حضرت فاطمه (س) مصحف دارد و ملک به محضر ایشان می‌روند. برادران اهل سنت ما مطرح کردند که مصحف چیست و فرشته ملک یعنی چه؟ بنده در حرمین شریفین وقتی با این موضوع روبه‌رو شدم، پژوهش گونه‌ای درباره مصحف حضرت فاطمه (س) و دیدگاه اهل سنت و تشیع نوشتم و چگونگی آن را آوردم. با اینکه ابتدا کتابچه بود، ولی ظرف دو سال، سه بار و هر بار در پنجاه‌هزار نسخه چاپ شد. بنابراین این‌طور نیست که اقبال نباشد. در هر زمینه‌ای اگر استوار گفته شود، اقبال هم می‌شود. وقتی ما از اخلاق نگارش حرف می‌زنیم، باید بدانیم که «اخلاق حسنه» آن فضایی است که در آنجا وجود دارد؛ یعنی اخلاق اعراب‌گذاری با اخلاق نویسندگی و اخلاق تولید کردن فرق می‌کند و اگر ما همه آنها را رعایت کنیم به نظر می‌رسد گام بسیار مهمی را فرابیش خواهیم برد.

ساکت: اجازه می‌خواهم که از صحبت‌های آقای دکتر حری بهره‌مند شوم. ایشان از کسانی هستند که از دیرباز در زمینه کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری دارند. به تازگی هم کتابی با عنوان اخلاق انتشارات علمی به چاپ رسانده‌اند که یکی از مباحث روز است و در آن شیوه نگارش مقالات علمی را در مجلات توضیح داده‌اند.

دکتر حری: بسم الله الرحمن الرحیم. پیش از آنکه وارد بحث شوم، جا دارد یادآور شوم که یکی از بی‌علاقگی‌های نگارش به‌عنوان یک رسانه ارتباطی، اختلال است؛ به عبارتی، اختلال در ارتباطات است. من فکر می‌کنم ما در این سالن هم دچار بی‌اخلاقی هستیم، به این خاطر که پر از همه‌همه است. چه خوب بود جای بهتری انتخاب می‌شد. جناب استاد ساکت اشاره فرمودند که بحث اخلاق نگارش و نویسندگی، یک بحث جدید در ایران است ولی باید عرض کنم که این بحث در ایران بسیار مطرح شده و در قرن

دکتر مهدوی‌راد:
وقتی از اخلاق نگارش حرف می‌زنیم، باید بدانیم که «اخلاق حسنه» آن فضایی است که در آنجا وجود دارد؛ یعنی اخلاق اعراب‌گذاری با اخلاق نویسندگی و اخلاق تولید کردن فرق می‌کند و اگر ما همه آنها را رعایت کنیم به نظر می‌رسد گام بسیار مهمی را فرابیش خواهیم برد

و بخواهم آنها را آگاه کنم. من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم که انسان قداراست آنچه را که می‌اندیشد، از طریق زبان منتقل کند. زیرا نظریه‌های مختلفی وجود دارد که معتقد هستند ما نمی‌توانیم تمام پیش‌داشته‌های ذهنی خود را منتقل کنیم ولی همان مقدار که در توان ما و یا در توان زبان نگارش است، آن چیزی است که از دل من برخاسته. بنابراین، باید نوعی سخن نو نسبت به آن چیزی که در بیرون وجود دارد، در خود داشته باشد. زمانی که ما نام خود را پای یک نوشته‌ای اضافه می‌کنیم، مسؤولیت اجتماعی داریم. برای اینکه عزیزان بحث مسؤولیت اجتماعی را خوب درک کنند، اشاره‌ای می‌کنم. البته تمام مؤلفان و کسانی که در حوزه علم کار می‌کنند، به این موضوع واقف هستند. مطلبی در ذهن من وجود دارد که جزو متعلقات من است و کسی به آن دسترسی ندارد. زمانی که آن را می‌نگارم، اعم از محیط واقعی به صورت کتاب یا در محیط مجازی و در اینترنت، به عبارتی زمانی که آن را بروز می‌دهم، اندیشه خود را به مایملک اجتماعی تبدیل می‌کنم یعنی دیگران حق دارند آزادانه از این اندیشه من بهره‌مند شوند؛ اینکه چگونه برداشت کنند بحث دیگری است. یک روز دو جوان نزد مرحوم اخوان ثالث رفتند و مطرح کردند که در مورد یک شعر او هر یک معانی مختلفی در نظر دارند. وقتی نظر او را جویا شدند، اخوان گفت که هیچ کدام از آنها را در نظر نداشته است. یکی از آن دو جوان به اخوان گفت شما همان قدر حق دارید راجع به شعر خود داوری کنید که من خواننده حق دارم. یعنی وقتی اندیشه‌ای تولید شد و بیرون آمد، دیگران حق دارند که برداشت‌های خود را از آن داشته باشند؛ اگر نمی‌خواهید این گونه باشد، تولید نکنید. در مثالی دیگر، هزاران نفر اشعار حافظ را می‌خوانند و تعبیر شخصی دارند. اگر امکان‌پذیر بود که زمانی حافظ سر از قبر برآرد، شاید همه تعبیر را رد کند و بگوید که هیچ‌یک از برداشت‌های شما درست نیست. بنابراین اگر می‌پذیریم که هر تولیدشده‌ای مایملک اجتماعی است، پس مسؤولیتی در باب این تولید اجتماعی داریم که باید پای آن بایستیم و این مسؤولیت، یعنی پایبندی به اخلاق. بنده در کتاب اخلاق انتشارات علمی اشاره کردم که باید یک عقلانیتی پشت این کار باشد. کسانی مرتکب دروغ، فریب و کارهایی از این نوع - که در کار نگارش به آن برمی‌خوریم - می‌شوند که انتظار می‌رود از اوج عقلانیت برخوردار باشند. مثلاً، شما نمی‌توانید به یک مدرس دانشگاه بگویید که دارای ضعف عقلانی است. اما در حقیقت او متنی را به نادانی، به خود نسبت داده؛ در حالی که دانشجوی او زحمت آن را کشیده و استاد مقاله‌ای را از آن استخراج می‌کند و برای مجلات می‌فرستد. این کار اوج بی‌اخلاقی است. بنابراین آن چیزی که پشت این مسئله بی‌اخلاقی وجود دارد، مصلحت‌طلبی و مصلحت‌جویی است؛ یعنی عواملی که اقتدار، سرمایه و مرتبه اجتماعی را افزایش می‌دهد و من هم به هر قیمت ممکن می‌خواهم از آن بهره‌مند شوم. به عبارتی، عملی که در بی‌اخلاقی نگارش اتفاق می‌افتد، با دروغ‌گویی و سرقت که در یک نظام اجتماعی رخ می‌دهد، تفاوتی ندارد. در نوبت بعدی صحبت خود، به انواع بی‌اخلاقی‌ها اشاره خواهم کرد.

ساکت: لازم است توضیح بدهم همان طور که آقای دکتر حری هم اشاره فرمودند، به دلیل اینکه جهان امروز از پیامدهای بداخلاقی نویسندگی رنج می‌برد، بیشتر به این مسأله پرداختند و گرنه شاید نخستین اثر نثری و نگارشی که درباره اخلاق نویسندگی صحبت کرده، هجویری در کشف‌المحجوب بوده که می‌نویسد کسی نزد من آمد و کتابی برای خواندن خواست و بخشی از آن را رونویسی کرد و به نام خود نشر داد. بنابراین در عصرهای گذشته هم این مسأله مطرح بوده ولی امروزه نوع دیگری به آن نگاه می‌کنند و آقای اسفندیاری هم در این زمینه یک سوگندنامه‌ای دارند که اثر بسیار ارزنده‌ای است.

دکتر حری:

اگر می‌پذیریم که

هر تولیدشده‌ای

مایملک اجتماعی

است، پس مسؤولیتی

در باب این تولید

اجتماعی داریم که

باید پای آن بایستیم

و این مسؤولیت، یعنی

پایبندی به اخلاق

اسفندیاری: بسم الله الرحمن الرحيم. در باب اخلاق نگارش در دهه‌های اخیر مقالات متعددی در مطبوعات و کتاب‌ها منتشر شده است. معمولاً در این‌گونه مباحث به پیشینه بحث می‌پردازند، لذا باید به استحضار برسانم تا جایی که اطلاع دارم، نه در جهان اسلام و نه در ایران، کتاب مستقلی از گذشتگان درباره اخلاق نگارش نداریم؛ آنچه هم که به نام «ادب الکتاب» از برخی از نویسندگان در دست است، اخلاق نگارش به معنایی که ما مراد است، نیست. البته در لابه‌لای آثار گذشتگان مطالبی به‌طور پراکنده در باب اخلاق نگارش آمده که برخی از آنها بسیار ارزنده است؛ مانند مطلبی که ابن‌خلدون در باب تألیف و اقسام مؤلفان گفته، یا آنچه ابن‌ادریس در ابتدای کتاب السرائر آورده، یا برخی مباحثی که جاحظ در کتاب الحيوان و یا آثار دیگر خود به آن پرداخته است. گذشتگان ما به صورت پراکنده و اجمالی در میان آثار خود به مباحث اخلاق نگارش پرداخته‌اند، اما کتاب مستقلی در باب و به مفهوم مصطلح امروز، از گذشتگان نداریم. لذا هر گونه بحثی که امروزه در این‌باره شود، مغتنم و جدید است.

امروزه این بحث در کشورهای اروپایی وجود دارد. جناب دکتر حری که خود از استادان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند، در این زمینه اطلاعات بسیار مفیدی دارند و می‌توانند این آثار را معرفی کنند. ایشان در این زمینه نیز صاحب‌نظر و استاد هستند و در لابه‌لای آثار ارزنده خود به آن پرداخته‌اند و به گونه مستقل نیز خالق آثاری بوده‌اند. از جمله همان‌گونه که آقای مهدوی‌راد فرمودند، شما را به مقاله شیرین و خواندنی آقای دکتر حری تحت عنوان «آیین بدنویسی» ارجاع می‌دهم. کسی که می‌خواهد آیین خوب‌نویسی را یاد بگیرد، باید این مقاله آقای دکتر را مطالعه کند. اما درباره ضرورت بحث، باید عرض کنم دلایل متعددی می‌توان ارائه کرد که ما باید به این مسأله بپردازیم، و اگر از آن غفلت شده، امروز باید توجه مضاعفی به این موضوع داشته باشیم. یک دلیل اینکه امروزه، نوشتن بسیار عمومی و به تعبیر دیگر دموکراتیزه شده است. در گذشته این‌قدر امکانات نوشتن و منتشر کردن و پخش کردن نبود. فرد باید مشقت زیادی متحمل می‌شد تا بتواند کتابی را تألیف و تکثیر کند. بیش از ۹۰ درصد مردم بی‌سواد بودند. در جامعه‌ای که تا این حد بی‌سواد داشت، نوشتن در حلقه‌های

عملی که در بی‌اخلاقی

نگارش اتفاق می‌افتد،

با دروغ‌گویی و سرقت

که در یک نظام

اجتماعی رخ می‌دهد،

تفاوتی ندارد



خاص انجام می‌گرفت؛ یعنی خواص برای خواص، و محققان برای محققان، و دانشوران برای دانشوران می‌نوشتند. اما امروزه این‌گونه نیست؛ ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اغلب مردم باسواد هستند و نوشتن عمومی شده است. به همین دلیل، باید موانع و چراغ راهنما بگذاریم و نوشتن را قانونمند کنیم، تا هر کس، هر گونه که خواست بنویسد و دست تعرض به آثار دیگران دراز نکند. ما معمولاً معلومات خود را گاهی از راه شنیدن و گاه از راه خواندن مطالب به دست می‌آوریم. هر چه فرهنگ جامعه از فرهنگ شفاهی فاصله بگیرد و به سمت فرهنگ کتبی برود، آن جامعه پیشرفته‌تر شده است. اعتماد مردم بیشتر به مطلبی است که می‌خوانند تا مطلبی که می‌شنوند. شاید فکر می‌کنند آنچه در کتاب آمده، دلیل قاطع است. مثلاً وقتی راجع به آغا محمدخان قاجار صحبت می‌کنند و از آنها استناد صحبت‌هایشان را می‌پرسند، می‌گویند در کتاب آمده است. بر این اساس، چون مردم به نویسندگان حسن ظن دارند و صرفاً به کتاب‌ها استناد می‌کنند، وظیفه‌ای بر دوش نویسندگان گذاشته می‌شود که طبق آن، اخلاق نگارش و اخلاق پژوهش را رعایت کنند و دقیق و درست و سنجیده بنویسند. دلیل دیگر اینکه تجربه نشان داده کلی‌گویی در هیچ زمینه‌ای مفید نیست، خصوصاً در باب اخلاق. مثلاً نمی‌توان تنها به مردم گفت «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک»؛ زیرا افراد مختلف، برداشت‌های گوناگونی از این جملات دارند و ممکن است درک آنها از این عبارات متفاوت باشد. این سه عبارت به نظر بنده سه آموزه آسمانی است و بسیار مفید؛ اما در اخلاق، کلی‌گویی چندان سودمند نیست و باید به جزئیات پرداخت. مثلاً مشخص کنیم که اصول و ضوابط اخلاق معلمی، مدیریت و سیاستمداری چیست و در نهایت، اخلاق نویسندگی را جزء به جزء مشخص کنیم. دلیل دیگر اینکه بسیاری از مردم راه، به‌ویژه در میان اهل قلم، مشاهده کردم که گفتار خود را جزو کردارشان نمی‌دانند. روی رفتار و کنش خود، حساس هستند؛ اما روی گفتارشان حساس نیستند. تصور می‌کنند حرف باد هوا است، در صورتی که گفتار، کردار زبان انسان است. در روایات فراوان آمده که هر کس گفتار خود را جزو کردار خود بداند، کم صحبت می‌کند؛ یعنی اگر من بدانم حرف‌هایی که می‌زنم، جزو عمل من حساب می‌شود، کمتر سخن می‌گویم و سعی می‌کنم حرف‌هایم درست و سنجیده و دقیق باشد. هر گاه دو نفر با هم دشمنی داشته باشند، هرگز دست تعدی به سوی هم دراز نمی‌کنند؛ ولی فراوان از او غیبت می‌کنند، به دلیل اینکه ما گفتار را جزو کردار خود به حساب نمی‌آوریم. حال آنکه در روایات آمده آبروی یک مسلمان، مانند خون او محترم است.

ساکت: در مورد سؤالی که می‌خواهم مطرح کنم شاید کمتر بحث شده باشد. جامعه، حکومت، ساختارها و بنیادها و نهادهای اجتماعی ما در ایجاد یا شکوفایی اخلاق نویسندگی - چه از دیدگاه تحریری و چه از نظر سازندگی آن - چه نقشی دارند؟ وقتی نویسنده‌ای در چنبره مسائلی خارج از اراده خود قرار دارد و یا مسائل بیرونی بر

تفکر و اندیشه درونی این نویسنده مؤثر است، در اینجا وظیفه این نهادها، جامعه و حکومت چیست؟ تمام گناه‌ها را باید به گردن نویسنده و پژوهشگر انداخت یا عوامل دیگر هم سهم دارند؟

دکتر مهدوی‌راد: زمانی هفته‌نامه سروش که وابسته به صدا و سیما است، گفت‌وگویی با بنده انجام داد. یکی از سؤالات این بود که چگونه یک پژوهش درست و استوار شکل می‌گیرد و چه کار باید انجام داد و چه اتفاقی می‌افتد که یک نوشته خوب چهره ببندد و به جامعه عرضه شود. بنده عرض کردم ما برای اینکه از یک فرآیندی بگذریم و به یک برآیند درست برسیم، سه چیز لازم داریم. یکی نیروی انسانی است که در بخش اول صحبت خود هم عرض کردم. ما برای به وجود آمدن اثر فاخر، سودمند و کارآمد برای خواننده و مخاطب، به نویسنده خوب نیاز داریم؛ نویسنده‌ای که فردیات اخلاق نویسندگی را مراعات کند. نکته دوم و سوم در این حوزه سؤالی است که استاد فرمودند. بنده عرض کردم که نویسنده باید ابزار لازم برای پژوهش را در اختیار داشته باشد. شما فرض کنید یک محقق کارآمد و مهم که همه مقدمات تحقیق را دارد ولی در شهرستانی دورافتاده است و کتابخانه، نسخه‌های الکترونیکی و وبگاه در اختیار ندارد - با توجه به اینکه ما حدود ده یا دوازده سال است که در ایران با نسخه‌های الکترونیکی مواجه هستیم - چگونه می‌تواند تحقیق کند؟ این دیگر در اختیار دولت، حکومت و نهادهای عام است. امروزه یکی از مشکلات، کتابخانه‌های شخصی است. ما این تعداد کتابخانه شخصی نیاز نداریم ولی به دلیل اینکه محقق می‌داند کتابخانه عمومی وجود ندارد و کتابخانه‌ای که به‌روز باشد و نیازهای او را برآورده کند در دسترس او نیست، مجبور است از تمام گوشه‌های زندگی بزند و شخصاً کتاب تهیه کند. داشتن کتابخانه و ابزار مفید و ابزار در اختیار، به عهده دولت است. مدتی پیش بنده به عربستان سفر کردم و در خاطرات خود نوشتم که به دانشگاه مدینه و کتابخانه دانشگاه مراجعه کردم. کتابخانه بزرگی بود و هشتاد هزار عنوان کتاب داشت برای دانشجوی و به‌صورت قفسه‌باز اداره می‌شد. عربستانی‌ها به لحاظ کلامی، اهل‌الحدیثی، و به لحاظ فقهی، حنبلی هستند. جریان وهابیت در آنجا حاکم است و در جهان اسلام به غیر از خود هیچ‌کس را قبول ندارند. به عبارتی، شیعه، صوفی، اشاعره و عرفان را قبول ندارند. بنده بعد از دو روز جست‌وجو در کتابخانه، در آنجا یک کتاب درباره عرفان، فلسفه و تصوف ندیدم، حتی در مورد شیعه و معتزله هم کتاب وجود ندارد، نه از نویسندگان این فرقه‌ها، و نه کتابی که درباره آنها حرف درست را بزند، وجود نداشت. از مدیر کتابخانه در مورد آن کتاب‌ها جویا شدم. ایشان مرا به یک سالن دیگر هدایت کرد و گفت ما این‌گونه کتاب‌ها را به دلیل اینکه جزو کتاب‌های ضاله می‌دانیم، در اختیار کسی نمی‌گذاریم. بنابراین، محققان در آنجا چگونه می‌توانند در مورد این موضوعات پژوهش کنند؟ گاهی ابزار پژوهش در اختیار محقق نیست. من بزرگوارانی را می‌شناسم که گاهی برای گرفتن یک نسخه خطی مشقت زیادی را تحمل

می‌کنند و در کشور به آنها نسخه داده نمی‌شود. نکته سوم هم داشتن فضای مناسب برای شکل‌گیری یک تحقیق استوار، سخن به‌روز، کارآمد و غالباً خلاف قاعده است. زیرا راه نارفته را رفتن مهم است. برای چنین چیزی، یک فضای سالم مطمئن وجود دارد تا محقق تحقیق کند و حرف خود را بزند. یک روایت داریم در مورد فضای حکومت حضرت مهدی (عج) با این مضمون که در آن جامعه کسی که حرکت می‌کند، نگران پشت سر خود نیست. یعنی شما وقتی در جامعه حرکت می‌کنید، هر لحظه احساس کنید به لحاظ اجتماعی یک نفر بدگویی شما را می‌کند و یا به لحاظ علمی به زودی دستگیر خواهید شد. به عبارتی باید فضایی ایجاد شود که در آن فضا، نویسنده محقق بتواند حرف خود را بزند. بنده اخیراً از استاد مطهری در جلد ۲۴ مجموعه آثار برای چندمین بار خواندم که «من به رئیس دانشکده الهیات گفتم یک استاد معتقد به مارکسیسم و کمونیسم را دعوت کنید تا در دانشکده الهیات با اعتقاد بگوید مارکس چه می‌گوید. زیرا در آن زمان یک استادی بود که کمونیسم‌بازی درمی‌آورد و نه فکر و علم و اندیشه آن را داشت.» ما باید یک فضایی را ایجاد کنیم که اگر کسی حرفی را استوار بیان کرد و از سر آگاهی گفت و برای مخاطبی که وجود دارد گفت، در هر فضایی بتواند بگوید. در این صورت علم، اندیشه و قلم رشد خواهد کرد.

ساکت: با تشکر از دکتر مهدوی. لازم است اشاره کنم که چندی پیش یکی از دوستان کتابی نوشته بودند به نام شراب ناب آگاهی و ایشان بسیار نگران بودند که آیا وزارت ارشاد و ممیزی کتاب اجازه می‌دهد که نام شراب روی این کتاب باشد یا خیر. به من گفتند شاید حذف کنیم. این مسأله وجود دارد و جای این انتقاد هم درست همین‌جاست تا مسائل عقیدتی خاص. اگر آزادی قلم نباشد، نویسنده نمی‌تواند اخلاق داشته باشد و بهانه‌های کوچک و خرد و حتی متنه به خشخاش گذاشتن‌های بی‌جا می‌تواند بد اخلاقی ایجاد کند. آقای دکتر حری اگر نظری در این رابطه دارید، بفرمایید.

دکتر حری: در جواب آقای استاد ساکت باید بگویم که اگر کتابش را برد و خواست اجازه بگیرد، بهتر است کلمه شراب را حذف کند. یادمان باشد که ما در شرایطی داریم از اخلاق و بد اخلاقی بحث می‌کنیم که نمی‌توانیم شرایط را تغییر دهیم بلکه باید به گونه‌ای عمل کنیم که در آن شرایط بتوانیم حرف خود را بزنیم. به طور کلی در جامعه ما یک‌سری عوامل و یک‌سری موانع وجود دارد. عواملی که سبب می‌شود ما اخلاق را رعایت کنیم، مواردی از آن را آقای مهدوی‌راد فرمودند، مانند کتابخانه، نظام تحقیق و نظام دانشگاه. بنده در سال ۱۹۹۶ در یک کتابخانه کوچک دانشکده‌ای در مالزی ۱۵۰ دستگاه رایانه دیدم که دانشجویان می‌توانستند از آنها استفاده کنند. مثال‌هایی را که عرض می‌کنم، شخصاً شاهد بودم. مثلاً در کانادا کتابخانه‌های عمومی در هر شهر شعبه‌هایی دارند و در هر شعبه آن حداقل یک‌صد رایانه وجود دارد و مراجعه‌کنندگان آزادانه

می‌توانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند. همچنین اگر کتابی را که در کتابخانه نیست درخواست کنید، ظرف یک هفته کتاب را خریداری می‌کنند و به شما خبر می‌دهند که کتاب موجود است. بنده همه اینها را قبول دارم، باید این شرایط فراهم شود. اگر ما انتظار داریم تولید در ایران خوب باشد نباید ایراد بگیریم که چرا ترجمه در ایران زیاد است. شرایط تحقیق را فراهم نمی‌کنید بنابراین آثار ترجمه می‌شوند. مطالب گفته شده عوامل بودند، موانع و یا به عبارتی موانع بروز اخلاقیات را عرض می‌کنم. من چون خودم دانشگاهی هستم، می‌گویم که آن را در دانشگاه‌ها و جامعه‌های پژوهشی جست‌وجو کنید، از نشریات علمی ما تا پایان‌نامه و نظام کلاس ما موافق بی‌اخلاقی هستند. دانشگاهی که به استاد خود می‌گوید باید فلان تعداد مقاله داشته باشد، طبیعی است که او هم به کمک چسب و قیچی آن تعداد را خلق می‌کند و یا از دانشجوی خود می‌خواهد که مقاله بیاورد و او هم آن در مجله علمی چاپ می‌کند. اما هنگامی که از او بخواهید در یک سال یک نظریه بدهد، نظریه او در مجامع بین‌المللی هم مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ساکت: با تشکر از آقای دکتر حری. آقای اسفندیاری لطفاً نظرات خود را در مورد عوامل اجتماعی مؤثر در اخلاق نویسندگی بفرمایید.

اسفندیاری: در باب اخلاق نگارش و مصداق‌های آن فراوان می‌توان سخن گفت، به اهم و مهم آن اشاره کرد و اینکه چه مواردی هست که نویسندگان به آن توجه نمی‌کنند. اما یک مورد بسیار ساده وجود دارد که از آن غفلت می‌شود و بنده به آن اشاره می‌کنم: اولین و بزرگ‌ترین وظیفه کسی که دست به قلم می‌برد، این است که حقیقت را بگوید و ذره‌ای از حقیقت تخطی و کوتاهی نکند؛ یعنی حقیقت را فدای مصلحت و سود و سیاست و اجتماع نکند.

ساکت: در جمع‌بندی باید بیان کنم که اخلاق نویسندگی، بخشی از بایستگی‌های درونی و بخشی از بایستگی‌ها و تأثیرات بیرونی است. در اینکه هر دوی آنها در یکدیگر تأثیر می‌گذارند، شکی نیست. یک نویسنده گذشته از التزامات و تعهداتی که برای کار خود دارد، باید به اصول ثابت و شناخته‌شده‌ای که در تمام دنیا و برای تمام رشته‌های نوشتن و نگارش شرط شده، پایبند باشد. از سوی دیگر حکومت، جامعه و مردم باید بایستگی‌ها و تعهدات خود را در برابر اندیشه و صاحبان اندیشه ایفا کنند. و دیگر اینکه ما باید درباره اخلاق نویسندگی بنویسیم و نمونه‌های عملی را نشان دهیم و به‌ویژه از تجربه‌های دیگران هم بهره ببریم زیرا جای چنین آثاری خالی است. با تشکر و سپاس از همه عزیزانی که ما را همراهی کردند. البته باید چشم به راه دست‌نورانه‌ای درباره اخلاق نویسندگی ماند تا راه و رسم ضابطه‌مند آن را به ما نشان دهد. این کار به کوشش کسانی نیاز دارد که در این باره از دانش، تجربه و دلسوزی لازم برخوردارند.

دکتر مهدوی‌راد:

ما برای به وجود

آمدن اثر فاخر،

سودمند و کارآمد

برای خواننده

و مخاطب، به

نویسنده خوب نیاز

داریم؛ نویسنده‌ای

که فردیات اخلاقی

نویسنده‌گی را

مراعات کند